

چرا نقد می نویسند؟

سر‌دبیر محترم مجله وزین مترجم

در شماره بیستم سال پنجم مترجم (زمستان ۱۳۷۴)، نقدی به قلم دکتر عبدالجواد جعفرپور درباره کتاب راهنمای ارزشیابی زبان ترجمه این جانب به چاپ رسیده است که خواهشمندم برای روشن شدن اذهان خوانندگان محترم مجله، پاسخ این جانب را نیز درج نمایند. برای سهولت در امر داوری، این جانب نیز همان ترتیب و توالی مطالب مطرح شده را رعایت نموده‌ام.

۱- منتقد در بخش مقدمه می نویسد: "مترجم فهرست موضوعی کتاب را حذف کرده..." و "در برگردان کتاب اشکالات عدیده‌ای به چشم می خورد..." اولاً، با توجه به این که کتاب دارای فهرست موضوعی است، گمان می‌رود منظور منتقد از فهرست موضوعی، عنوان متداول و مرسوم فهرست راهنما، یا نمایه و یا راهنمای موضوعی (index) باشد! ثانیاً، درباره "اشکالات عدیده..." هم این جانب در زیر، توضیح لازم را داده‌ام و امیدوارم خوانندگان محترم با مقایسه ایرادهای ناروای منتقد و پاسخهای داده شده بهتر داوری کنند.

۲- منتقد در بخش اول، دلایل احتمالی خود را برای اقدام به ترجمه برمی‌شمارد. البته علاوه بر آنچه نامبرده می‌نویسد، احتمال دارد دلایل دیگری نیز برای ترجمه وجود داشته باشد. برای مثال در دسترس همگان نبودن اصل کتاب، که قطعاً یکی از دلایل ترجمه کتاب مورد بحث نیز همین نکته بوده است.

منتقد سپس به توصیف دقت خود می‌پردازد. ظاهراً منتقد تعداد کلمات، ترجمه را به تصور انجام کار علمی برشمرده است! و اما در پاسخ به این پرسش که چرا "۱۸٪" از متن کتاب ترجمه نشده است باید گفت: مترجمی که طبق محاسبه منتقد قادر به ترجمه "۸۲٪" از مطالب کتابی شده است به احتمال زیاد از ترجمه "۱۸٪" بقیه عاجز نبوده است. لکن منتقد به این نکته توجه نکرده است که ترجمه نکات و مواردی که نشان دهنده ماهیت زبان مبدأ است، نقض غرض خواهد بود و به غلط، تصور نموده هر مطلبی که در متن اصلی باشد، باید عیناً بدون استثناء به زبان خواننده ترجمه نیز برگردانده شود.

در مورد ابهامی که از بابت "خوانندگان متن کتاب....." برای منتقد پیش آمده است، ایشان اگر اندکی از زمانی را که بیهوده صرف شمردن تعداد کلمات ترجمه نموده است، با بی نظری صرف مطالعه دقیق یادداشت مختصر این جانب تحت عنوان "پیشگفتار مترجم" می‌نمود بسیاری از ابهاماتش

برطرف می‌شد. برای مثال درمی‌یافت که در (ص ۹) به وضوح متذکر شده‌ام که "این کتاب برای مدرسان شاغل و دانشجویان تربیت دیرری تهیه شده است..." و یا "کتاب حاضر برای مدرسان زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی تهیه شده است". قصد بنده از این عبارات، همکاران محترم ما در دبیرستانها و "دانشجویان دیرری" زبان بوده‌اند. در نتیجه، برخلاف تصور اشتباه منتقد، کاملاً روشن است که خوانندگان احتمالی کتاب چه افرادی خواهند بود.

در باره "واژه‌های تخصصی" مورد ایراد منتقد و ارائه آنها در واژه‌نامه‌ای که به قول ایشان "عموماً فنی و تخصصی" (ص ۴۰) است، گفتنی است که علی‌رغم تعاریف گوناگون ارائه شده از واژه "تخصصی"، حد و مرز دقیق بین این نوع واژه‌ها و واژه‌های دیگر، به روشنی مشخص نیست و محتمل است که چند متخصص در مورد انتخاب این نوع واژه‌ها، اختلاف نظر داشته باشند. واژه‌های letter ، give advice ، transfer ، talk [on topic] و sequence اسامی انواع گوناگون آزمون‌هایی هستند که در بافت کتاب مورد بحث، واژه تخصصی به‌شمار می‌روند. شاهد این مدعا اینکه، مؤلف کتاب نیز آنها را به‌طور جداگانه در اول کتاب در جدولی، تحت عنوان "فهرست انواع آزمون‌ها و کاربرد آنها" ارائه نموده است.

۳- در مورد عنوان کتاب، منتقد "کتاب راهنما" را "لفظی جدی" می‌انگارد و لکن هیچ برگردان فارسی برای واژه handbook پیشنهاد نمی‌کند و تنها به ذکر این نکته بسنده می‌کند که "یکی از معانی" این واژه "کتاب کوچک و مختصر برای راهنمایی...." است. شاید هم منتقد انتظار دارد که به جای عنوان فعلی یعنی "کتاب راهنمای ارزشیابی زبان" گفته می‌شد "کتاب کوچک و مختصر برای راهنمایی....". توصیه می‌شود، برای کسب اطلاعات درست‌تر، منتقد به مدخل handbook در فرهنگ معاصر استاد دکتر باطنی^۱ مراجعه نماید. مضافاً اینکه، برگردان مورد استفاده این جانب اصلاً و ابداً "اغراق‌آمیز" نیست زیرا با استناد به همان جمله‌ای که منتقد از مؤلف و از (ص ۲) ترجمه این جانب، نقل نموده است، نباید جای شک و تردید باقی مانده باشد که کتاب مورد بحث به هیچ وجه ادعای "از هر جهت جامع" بودن را ندارد.

در مورد "تادرست" بودن عنوان نیز، باید گفت ای کاش منتقد پیشگفتار این جانب را مطالعه کرده بود زیرا در همان اوایل پیشگفتار در صفحه هفت به روشنی گفته‌ام که "....لیکن رسم است..... در این مختصر نیز قصد سنت‌شکنی نداریم و واژه ارزشیابی را..... عمدتاً به معنای آزمون به کار می‌بریم..."
 ۴- در پاسخ به ایراد بعدی منتقد، یعنی چرا "مترجم تاریخ چاپ مجدد را با سال انتشار برابر گرفته است؟" باید گفت، کتابی که برای ترجمه مورد استفاده این جانب قرار گرفته در سال ۱۹۸۹ تجدید چاپ شده است. کتابهای راهنمای پژوهش و شیوه‌های نگارش در این مورد اتفاق نظر قطعی ندارند. به‌عنوان مثال، در شیوه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی (ص ۷۴) به روشنی توصیه می‌شود که "...چاپ آخر کتاب در چه تاریخی بوده...".^۲ مضافاً اینکه، در صورت درست بودن تصور منتقد، تکلیف کتابهایی که برای اولین بار، چند دهه یا سده پیش منتشر شده‌اند، لکن چاپهای جدید آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد، چه خواهد بود؟ مثلاً در مورد آثار شکسپیر، آیا باید تاریخ اولین چاپ را قید کرد یا اینکه ذکر

تاریخ چاپ جدید مورد استفاده نیز بلاشکال خواهد بود؟

۵- در مورد انتخاب "معادلهای غیرمتداول/ نادرست"، متأسفانه منتقد برخلاف روحیه دانشگاهی و علمی، کلی‌گویی نموده است که "معادلهای مصطلحی در فارسی ...". در عُرف دانشوران، نقد بی‌طرفانه باید با سند و مدرک همراه باشد. با وجود این، در پاسخ باید گفت که اولاً برخلاف تصور منتقد، مطالب ترجمه شده در مورد آزمون سازی انگلیسی، چندان فراوان نیست. ثانیاً، بنده نیز، بنا به ضرورت آمادگی برای تدریس این درس، تقریباً از تمام برگردانهای فارسی متداول و مصطلح، مطلع هستم. برای نشان دادن نادرستی تصورات منتقد، به بررسی اولین مثال مورد ایراد وی، بسنده می‌کنم. واژه "بندش" در برابر cloze به گمان بنده، علاوه بر واژه پیشنهادی استاد دکتر کیوانی یعنی "بسته"^۲، تنها معادل متداول است. لکن اگر منتقد برابر نهاد مناسبتری برای آن می‌شناسد چرا ارائه نکرده است؟ نکته بسیار جالب دیگر در مورد واژه مورد بحث این است که منتقد می‌نویسد "هیچ یک از معانی بندش در لغت‌نامه دهخدا با cloze همخوانی ندارد" (ص ۴۱). البته بدیهی است که چنین باشد، زیرا آزمون cloze در زمان مرحوم دهخدا وجود نداشته است. لکن بعدها، پس از به کارگیری این نوع آزمون، احتمالاً یکی از صاحب‌نظران، واژه بندش را قرض گرفته و شمول معنایی آن را گسترش داده و به آزمون cloze اطلاق نموده است. در مورد سایر واژه‌های ارائه شده در (ص ۴۲) نیز به اختصار اشاره می‌کنم که تمام آنها، برخلاف نظر منتقد، متداول و مصطلح هستند و صرفاً به لحاظ سلیقه فردی، نمی‌توان کاربرد آنها را "لغزش" تلقی نمود. گروهی این، گروهی آن پسندند. گفتنی است که در مورد item منتقد به اشتباه، واژه‌های ارائه شده پیش و پس از خط تیره را یک عبارت به‌شمار آورده و در نتیجه عبارت مهجور و نامانوس "ماده - پرسش" را پیشنهاد نموده است. این جانب به هیچ‌وجه از علامت خط تیره بین دو واژه استفاده ننموده‌ام و چنانچه در (ص ۱۸۲) واژه‌نامه کتاب نیز آمده است، علامت ویرگول را بین این دو واژه به کار برده‌ام یعنی برای واژه item، دو برگردان جداگانه فارسی به کار برده شده است.

۶- در مورد نظر منتقد درباره "عدم انس کافی..." توجه خوانندگان باانصاف را به چند نکته جلب می‌کنم. منتقد بلافاصله پس از اشاره به زبان مادری، به عنوان شاهدهی برای ادعای خویش "تقسیم‌بندی قسمتهای ... و شماره‌ها..." را مثال می‌آورد. آخر، انس با زبان فارسی کجا و شماره بخشهای کتاب کجا؟ مهمتر اینکه، حتی در این مورد نیز، نظر منتقد درست نیست. توصیه می‌شود منتقد به کتابهای ترجمه شده متعدّد، فی‌المثل کتاب تاریخ مختصر زبان‌شناسی^۳، ترجمه استاد دکتر حق‌شناس که عیناً همین شیوه را به کار برده‌اند، مراجعه نماید. این کتاب به عنوان بهترین کتاب ترجمه سال نیز برگزیده شده است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا مترجم دانشمند کتاب نامبرده و همینطور داوران گزینش کتاب سال همگی اشتباه نموده‌اند؟!

در مورد غلط املائی آقای دکتر جعفرپور هم، بنده تذکر و ویراستار نکته بین نشریه مترجم را در پا نوشته (ص ۴۲) مجله کافی می‌دانم.

تنها مورد به‌حق از ایرادهای منتقد، غلط چاپی کلمه thesaurus آنها در پانوشته (ص ۷۴) کتاب

است که این‌جانب مسؤلیت تمام "کژیها و کاستیها"ی واقعی و نه خیالی را در پیشگفتار پذیرفته و از خوانندگان فهیم عذر تقصیر خواسته‌ام. به چند اشتباه دیگر منتقد به اختصار اشاره می‌کنم: الف) در مثال ۲ واژه آزمودن، نادرست است، بنده در (ص ۱۲) کتاب، واژه آزمون را به کار برده‌ام نه آزمودن؛ ب) در مثال ۳ به اقتضای مورد و فحوای کلام، برای argue "یادآوری" به کار برده‌ام. منتقد ایراد گرفته است که این "تعبیرات ... با هم برابر نیستند..." البته منتقد به روال همیشگی کار خود، پیشنهادی ارائه نداده است. شاید به تصور ایشان می‌بایستی عامترین برابر نهاد فارسی را از فرهنگ معاصر استاد دکتر باطنی به کار می‌گرفتم و می‌نوشتم "در فصل اول جَر و بحث شد / ... یکی به دو شد / ... دعوا شد...!" ...

دکتر اسماعیل فقیه

منابع

۱. فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی، محمد رضا باطنی با دستیاری فاطمه آذر مهر، تهران: فرهنگ معاصر ۱۳۷۱، ص ۴۵۴.
۲. شیوه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی، ویرایش دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۷۴.
۳. اصول یادگیری و تدریس زبان، نوشته اچ. داگلاس براون، ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳، ص ۳۳۸.
۴. تاریخ مختصر زبان‌شناسی، نوشته آر.اچ. رابینز، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
۵. فرهنگ معاصر، ص ۳۹.